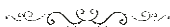


فهرست مطالب



بخش اول: قوانین خاص آیین دادرسی مدنی..... ۷

فصل اول: قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات

۱۴۰۲..... ۹

فصل دوم: قانون شورای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲..... ۴۵

فصل سوم: قانون اجرای احکام مدنی..... ۷۲

فصل چهارم: قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۹۴..... ۸۸

فصل پنجم: لایحه قانونی استقلال کانون و کلاء دادگستری..... ۹۸

فصل ششم: قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری ۱۳۷۶/۰۱/۱۷..... ۱۰۷

بخش دوم: قوانین خاص حقوق مدنی..... ۱۱۵

فصل اول: قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱..... ۱۱۷

فصل دوم: قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹..... ۱۳۰

فصل سوم: قانون بیمه اجباری شخص ثالث مصوب ۱۳۹۵..... ۱۴۸

فصل چهارم: قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹..... ۱۶۸

فصل پنجم: قانون پیش فروش ساختمان مصوب ۱۳۸۹..... ۱۹۵

فصل ششم: قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶..... ۲۰۸

فصل هفتم: قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۷۶..... ۲۲۶

فصل هشتم: قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت مصوب ۱۴۰۰..... ۲۲۸

فصل نهم: قانون حمایت از حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ با آخرین

اصلاحات..... ۲۳۲

بخش سوم: قوانین خاص حقوق تجارت..... ۲۳۹

فصل اول: قانون صدور چک مصوب ۱۳۹۷ با آخرین اصلاحات..... ۲۴۱

فصل دوم: قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸..... ۲۶۱

فصل سوم: قانون راجع به ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰..... ۲۶۸

فصل چهارم: قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه‌ای حسابداری ذیصلاح به عنوان

حسابدار رسمی..... ۲۷۰

فصل پنجم: احکام مرتبط از قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب

۱۳۵۸..... ۲۷۲

فصل ششم: قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲..... ۲۷۵

فصل هفتم: قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴..... ۲۷۸

فصل هشتم: قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای

ایرانی مصوب ۱۳۹۸..... ۲۹۱

بخش چهارم: قوانین خاص حقوق جزا..... ۳۰۳

بخش پنجم: قوانین خاص آیین دادرسی کیفری..... ۴۸۹

پیشگفتار

یکی از اصلی‌ترین عوامل و جهات در موفقیت یک وکیل دادگستری، تسلط وی بر نصوص قانونی و قوانین موضوعه کشور است. این امر صرف نظر از اینکه امکان یافتن یک راه حل قانونی را برای وکیل تسهیل می‌سازد، در تسلط وی بر جلسه محاکمه و اخذ نتیجه در آن بسیار موثر است. طراحان سوال آزمون‌های مختلف حقوقی در سنوات اخیر نگاه ویژه‌ای نسبت به قوانین خاص حقوقی و کیفری داشته و بخش عمده‌ای از سوالات در چند سال اخیر اختصاص به قوانین خاص داشته است. اهمیت و جایگاه ویژه‌ی این قوانین از یک سو و تغییرات و تحولات متعددی که در همین دو سال گذشته بر برخی از قوانین حاکم بوده است، ما را بر آن داشت که مجموعه حاضر را با عنوان شرح روان قوانین خاص (حقوقی - کیفری) در یک مجلد آماده و خدمت جامعه حقوقی ایران ارائه دهیم. بخش اول این کتاب به بررسی نموداری و تشریحی قوانین خاص حقوقی که شامل قوانین خاص آیین دادرسی مدنی، حقوق مدنی و حقوق تجارت است می‌پردازد. در بخش دوم نیز قوانین خاص کیفری نیز با تشریح و تفصیل بیشتری آماده گردیده است. امید است اثر حاضر نیز مانند سایر آثار مجموعه «شرح روان» مورد استقبال و تایید علاقه‌مندان به این رشته قرار بگیرد.

با احترام

مهدی شکری - نادر نوریان

راه‌های ارتباطی با مولف:

Instagram: Mehdi_Shokri7
Email: Mehdi.shokri7@yahoo.com
Telegram: @mehdi_shokri7

بخش اول:

قوانین خاص آئینہ ولایت مدنی



فصل اول

قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری

مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات ۱۴۰۲

۱- ساختار دیوان عدالت اداری:

ساختار دیوان عدالت اداری

۱- شعب بدوی دیوان: (رسیدگی با یک قاضی) رسیدگی بدوی به پرونده‌ها در صلاحیت شعب بدوی است. اصل بر صلاحیت شعب بدوی است.

۲- شعب تجدیدنظر: (رسیدگی با ۳ قاضی) مرجع تجدیدنظر از آرای صادره از شعب بدوی است.

۳- هیأت عمومی دیوان عدالت اداری: (متشکل از دو سوم از قضات شعب بدوی و تجدیدنظر با ریاست رئیس دیوان عدالت اداری یا معاون قضایی ایشان- ملاک صدور رای: نظر اکثریت قضات حاضر در جلسه) به برخی از پرونده‌های خاص و ویژه رسیدگی می‌نماید. (ماده ۱۲ قانون)

نکته ۱: هر شعبه بدوی دیوان از یک رئیس یا دادرس علی‌البدل و هر شعبه تجدیدنظر از یک رئیس و دو مستشار تشکیل می‌شود. شعبه تجدیدنظر با حضور دو عضو رسمیت می‌یابد و ملاک صدور رای، نظر اکثریت است. آراء شعب تجدیدنظر دیوان قطعی است (م ۳ ق.د.ع.ا).

نکته ۲: چنانچه جلسه شعبه تجدیدنظر با حضور دو عضو رسمیت یابد و هنگام صدور رای اختلاف نظر حاصل شود، یک عضو مستشار توسط رئیس دیوان به آنان اضافه می‌شود. در صورت عدم

حضور رئیس شعبه تجدیدنظر، اداره شعبه به عهده عضو مستشاری است که سابقه قضائی بیشتری دارد (اصلاحی ۱۴۰۲)

نکته ۳: قضات دیوان با حکم رئیس قوه قضائیه منصوب می‌شوند و باید دارای هفت سال سابقه کار قضائی باشند. رئیس دیوان عدالت اداری می‌تواند قضات واجد شرایط را به رئیس قوه قضائیه پیشنهاد نماید (ماده ۴ ق.د.ع.ا. - اصلاحی ۱۴۰۲)

نکته ۴: دیوان می‌تواند جهت اعلام نظر در امور تخصصی، حسب مورد از کارشناسانی در رشته‌های مختلف که دارای مدرک کارشناسی با حداقل ده سال سابقه یا دارای حداقل مدرک کارشناسی ارشد با حداقل پنج سال سابقه در رشته مورد نیاز می‌باشند، بدون ایجاد تعهد استخدامی استفاده نماید (ماده ۷ - اصلاحی ۱۴۰۲)

نکته ۵: واحد اجرای احکام دیوان زیر نظر رئیس دیوان یا معاون وی، انجام وظیفه می‌نماید که از تعداد کافی، دادرس اجرای احکام، مدیر دفتر و کارمند برخوردار است (م ۵ ق.د.ع.ا.)

۲- صلاحیت ارکان دیوان عدالت اداری

الف - صلاحیت شعب بدوی:

صلاحیت شعب بدوی دیوان

۱- رسیدگی به شکایات مردم از اقدامات و تصمیمات واحدهای دولتی (در مقام اعمال حاکمیت)

۲- رسیدگی به شکایات مردم از اقدامات و تصمیمات مامورین واحدهای دولتی

۳- رسیدگی به شکایات قضات و مشمولان قانون مدیریت خدمات کشوری و سایر مستخدمان واحدها و موسسات از دولت راجع به حقوق استخدامی.

نکته ۱: اختلافات مردم با نهادهای دولتی در خصوص تصمیماتی که در حوزه تصدی‌گری اتخاذ می‌نمایند در صلاحیت دادگاه عمومی است.

نکته ۲: رسیدگی به دعاوی مطالبه خسارت در صلاحیت دادگاه عمومی است؛ لیکن در مواردی که مطالبه خسارت ناشی از تخلف در اجرای وظایف قانونی و اختصاصی یا ترک فعل از انجام وظایف

مذکور از سوی واحدهای دولتی یا دستگاه‌های مذکور در بندهای (۱) و (۲) این ماده و مأمورین واحدها و دستگاه‌های یادشده باشد، موضوع در دیوان عدالت اداری مطرح و شعبه دیوان ضمن رسیدگی به احراز وقوع تخلف نسبت به اصل مطالبه خسارت و تعیین خسارت وارده اقدام نموده و حکم مقتضی صادر می‌نماید (تبصره ۱ ماده ۱۰ - اصلاحی ۱۴۰۲)

نکته ۳: تصمیمات و آراء دادگاهها و سایر مراجع قضائی دادگستری و نظامی و دادگاه‌های انتظامی قضات دادگستری و نیروهای مسلح قابل شکایت در دیوان عدالت اداری نمی‌باشد (تبصره ۲ ماده ۱۰)

نکته ۴: رسیدگی به شکایات و اعتراضات اشخاص حقیقی و حقوقی از وقوع تخلف و عدم رعایت قوانین و مقررات در مراحل انعقاد قرارداد توسط دستگاه‌های اجرائی در صلاحیت شعب دیوان عدالت اداری است، لیکن رسیدگی به دعاوی ناشی از اجرای قرارداد فی مابین طرفین در صلاحیت دیوان نیست (تبصره ۳ ماده ۱۰)

رسیدگی به اختلافات ناشی از قرارداد با دستگاه‌های اجرائی (تبصره ۳ ماده ۱۰ - الحاقی)

۱- شکایت از وقوع تخلف و عدم رعایت قوانین و مقررات در مراحل انعقاد قرارداد: در صلاحیت شعب بدوی دیوان

۲- رسیدگی به دعاوی ناشی از اجرای قرارداد فی مابین طرفین: در صلاحیت محاکم قضایی است

نکته ۵: در صورتی که تصمیمات و اقدامات موضوع شکایت، موجب تضییع حقوق اشخاص شده باشد، شعبه رسیدگی کننده، حکم بر نقض رای یا لغو اثر از تصمیم و اقدام مورد شکایت یا الزام طرف شکایت به اعاده حقوق تضییع شده، صادر می‌نماید.

نکته ۶: پس از صدور حکم و قطعیت آن بر اساس این ماده، مرجع محکوم‌علیه علاوه بر اجرای حکم، مکلف است در موارد مشابهی که با حکم صادره وحدت موضوع دارد، مفاد حکم صادره را در تصمیمات و اقدامات بعدی خود رعایت کند، مشروط بر اینکه با تشخیص رئیس دیوان، رأی معارض قطعی با آن، توسط همان شعبه یا شعب دیگر صادر نشده باشد (تبصره م ۱۱ اصلاحی).

نکته ۷: صدور حکم اصلاحی، رفع ابهام و اشکال، دستور اجرای حکم و هرگونه اقدامی که مستلزم تصمیم‌گیری مجدد است، به عهده شعبه صادرکننده رای قطعی است. (ماده ۱۵ اصلاحی ۱۴۰۲)

نکته ۸: چنانچه دادرس اجرای احکام دیوان، رای شعبه دیوان را مبهم بداند، به نحوی که اجرای آن امکان نداشته باشد با ذکر مورد ابهام از شعبه صادرکننده رای تقاضای رفع ابهام می‌نماید. نظر شعبه در خصوص رفع ابهام، برای دادرس اجرای احکام دیوان، لازم‌الاتباع است (ماده ۱۱۷ اصلاحی ۱۴۰۲)

ب- صلاحیت شعب تجدیدنظر:

در قانون سابق دیوان عدالت اداری، صلاحیت شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تنها منحصر به تجدیدنظرخواهی از آرای صادر از شعب بدوی می‌گردید. اما در اصلاحات اخیر، یک مورد دیگر نیز به صلاحیت شعب تجدیدنظر اضافه گردیده است.

صلاحیت شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری

۱- مرجع شکایت از آرای قطعی صادره از مراجع رسیدگی اداری و قضایی غیردادگستری مثل، کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری، هیأت حل اختلاف کارگر و کارفرما و ...

۲- مرجع تجدیدنظر از تمامی آرای شعب بدوی

نکته: در قانون سابق، مرجع رسیدگی به شکایت از آرای قطعی مراجع حل اختلاف اداری و ... شعب بدوی دیوان بود که در اصلاحات اخیر، رسیدگی به این شکایات به طور مستقیم در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری صورت می‌گیرد و رأی صادره نیز قطعی است

۳- هیأت عمومی دیوان عدالت اداری:

ترکیب هیات عمومی دیوان عدالت اداری (م ۸ قانون)

اعضایی که حضورشان واجب کفایی است

- ۱- رئیس دیوان
- ۲- معاونین قضایی
- ۳- روسای هیات‌های تخصصی
- ۴- روسای و مستشاران شعب تجدیدنظر
- ۵- رؤسای شعب بدوی

اشخاصی که حضورشان اختیاری است

- ۱- قضات صادر کننده رای در موارد صدور آرای متعارض یا مشابه جهت صدور رای وحدت رویه یا رای ایجاد رویه (حق رأی دارند)
- ۲- قضاتی یا کارشناسانی که به تشخیص و دعوت رئیس دیوان عدالت اداری حاضر می‌شوند تا نظر مشورتی خود را ارائه دهند (حق رأی ندارند)

حدنصاب حضور قضات برای

- ۱- حضور دو سوم از اعضا
- ۲- حضور رئیس دیوان یا معاون قضایی ایشان به انتخاب رئیس

ملاک صدور رای: نظر اکثریت آرای حاضر در جلسه

۴- صلاحیت هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

صلاحیت هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

۱- رسیدگی به شکایات اشخاص حقیقی و حقوقی از بخش نامه‌ها، آیین نامه‌ها، دستور العمل‌ها و سایر نظامات دولتی در مواردی که ...

۱- خلاف شرع

۲- خلاف قانون

۳- خارج از حدود صلاحیت

۴- سوء استفاده از اختیارات

۵- تخلف در اجرای قوانین مقررات

۶- خودداری از انجام وظایف که باعث تضییع حقوق اشخاص گردد

۲- صدور رأی وحدت رویه

۱- موارد صدور: در موارد مشابه آرای مختلف از شعب مختلف دیوان صادر شده باشد.

۲- مرجع تقاضا: رئیس دیوان عدالت اداری (مختار است)

۳- مرجع صدور رأی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری (مختار است)

۳- صدور رأی ایجاد رویه

۱- موارد صدور: در موارد مشابه دست کم دو شعبه دیوان، حداقل ۵ رأی مشابه به هم صادر کرده باشد.

۲- مرجع تقاضا: رئیس دیوان عدالت اداری (مختار است)

۳- مرجع صدور رأی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری (مختار است)

۵- ممنوعیت‌های هیأت عمومی:

در پاره از موارد هیأت عمومی دیوان صلاحیت رسیدگی به برخی از پرونده‌ها را ندارد.

مواردی که از صلاحیت هیأت عمومی خارج است

۱- رسیدگی به تصمیمات قضایی قوه قضائیه

۲- رسیدگی به آیین نامه‌ها بخشنامه‌ها و تصمیمات رئیس قوه قضائیه

۳- مصوبات و تصمیمات شورا نگهبان، مصوبات و تصمیمات مجمع تشخیص مصلحت نظام

۴- مصوبات و تصمیمات مجلس خبرگان رهبری

۵- شورای عالی امنیت ملی

۶- مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی

نکته ۱: رسیدگی به تصمیمات قضائی قوه قضائیه و صرفاً آیین نامه‌ها، بخشنامه‌ها و تصمیمات رئیس قوه قضائیه و مصوبات و تصمیمات شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس خبرگان و شورای عالی امنیت ملی از صلاحیت هیأت عمومی دیوان عدالت اداری خارج است.

نکته ۲: رسیدگی به مصوبات و تصمیمات زیرمجموعه‌های شوراهای علی انقلاب فرهنگی از قبیل هیأت (کمیسیون)ها، کارگروه (کمیته)ها، شوراها و ستادها» در صلاحیت دیوان عدالت اداری قرار می‌گیرد.

اثر ابطال مصوبات توسط هیأت عمومی (م ۱۳)

۱- اصل: اصل بر این است که ابطال مصوبات از تاریخ صدور رأی هیأت عمومی موثر است.

۲- استثنائات: در دو مورد ابطال مصوبه از تاریخ صدور آن خواهد بود: ۱- مصوبه به سبب خلاف شرع بودن باطل شود ۲- خود هیأت عمومی جهت تضييع حقوق اشخاص اثر ابطال را به تاریخ صدور مصوبه اعاده داده باشد

۷- اختلاف در صلاحیت دیوان عدالت اداری با سایر مراجع:

۱- مرجع حل اختلاف در صلاحیت بین شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع قضائی، دیوان عالی کشور است. شعبه رسیدگی کننده در دیوان عالی کشور پس از اخذ نظر مشورتی نماینده قضائی رئیس دیوان که از بین قضات دیوان عدالت اداری انتخاب می‌شود، در موضوع، اتخاذ تصمیم می‌کند. نماینده مذکور مکلف است ظرف یک ماه از زمان درخواست، نظر مشورتی خود را اعلام کند. در صورت عدم اعلام نظر مشورتی، شعبه دیوان عالی کشور مجاز به اتخاذ تصمیم است. (ماده ۱۴).

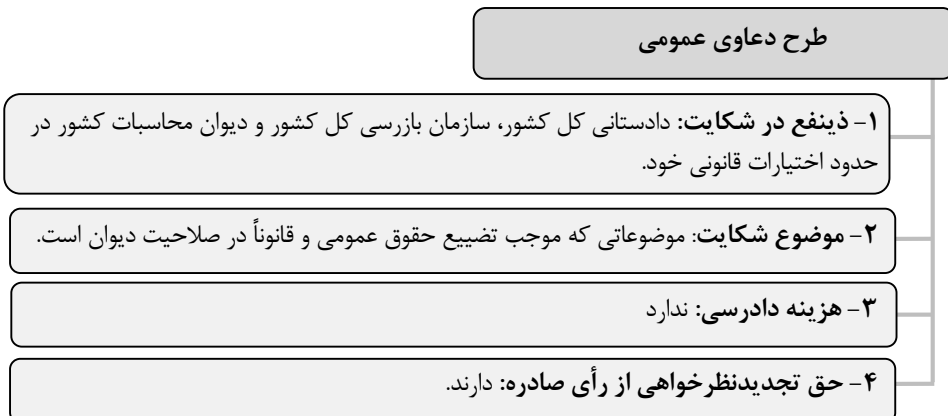
۲- در موارد اختلاف در صلاحیت، بین شعب بدوی و تجدیدنظر، رأی شعبه تجدیدنظر و در موارد اختلاف بین شعب و هیأت عمومی، نظر هیأت عمومی متبّع است (ماده ۱۴ اصلاحی ۱۴۰۲)

۲- هر گاه رسیدگی به شکایت در صلاحیت سایر مراجع قضائی باشد، شعبه دیوان با صدور قرار عدم صلاحیت پرونده را به مرجع مذکور ارسال می‌کند. این قرار قطعی است (م ۴۸ اصلاحی ۱۴۰۲)

۳- در صورتی که دیوان عدالت اداری رسیدگی به شکایت را در صلاحیت مراجع غیرقضائی بداند، مبادرت به صدور قرار رد شکایت نموده و شاکی را به مرجع صالح دلالت می‌کند.

۸- دعاوی عمومی: (تبصره ۱ ماده ۱۷)

در قانون جدید دیوان عدالت اداری امکان طرح دعاوی عمومی از سوی برخی از مقامات پیش بینی شده است. در این خصوص باید به نمودار زیر توجه داشت:



طرح دعاوی توسط سازمان‌های مردم نهاد (تبصره ۲ ماده ۱۷ الحاقی ۱۴۰۲)

- ۱- امر به معروف و نهی از منکر
 - ۲- محیط زیست
 - ۳- منابع طبیعی
 - ۴- میراث فرهنگی
 - ۵- بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی
- ۱- **ذینفع در شکایت:** سازمان‌های مردم نهادی که موضوع فعالیت آنها در زمینه حمایت از حقوق عامه از قبیل...
- ۲- **موضوع شکایت:** در خصوص موضوعات مربوط به فعالیتشان
- ۳- **جهت شکایت:** غیرقانونی بودن تصمیمات و اقدامات یا خودداری از انجام وظیفه که موجب تضییع حقوق عمومی است.
- ۴- **حق تجدیدنظرخواهی از آراء:** دارند.

نکته ۱: هرگاه ضمن رسیدگی به موضوعی در دیوان، رئیس دیوان در جریان تضییع حقوق عمومی و یا منافع بیت المال قرار گیرد، موظف است مراتب را حسب مورد **به سازمان بازرسی کل کشور، دادستان کل کشور و دیوان محاسبات کشور** اعلام نماید (ماده ۱۲۱ اصلاحی ۱۴۰۲)

نکته ۲: دستگاه‌ها و مأمورین واحدهای دولتی و مراجع اداری این قانون مکلفند هر گونه تصمیم و اقدام قطعی خود را که در مورد اشخاص ذینفع اتخاذ می نماید، به آنها ابلاغ کنند. در مواردی که اشخاص ذینفع، تقاضای انجام امر اداری یا خودداری از انجام آن را دارند، ابتدا باید تقاضای خود را به دستگاه مربوط ارائه دهند و آن دستگاه مکلف است ضمن ثبت درخواست و ارائه رسید، حداکثر **ظرف سه ماه** به صورت کتبی پاسخ قطعی را (نفیاً یا اثباتاً) به ذینفع ابلاغ نماید؛ مگر اینکه در سایر قوانین ظرف زمانی معینی برای پاسخگویی دستگاه‌ها و مأمورین مذکور مشخص شده باشد یا فوریت موضوع، اقتضای زمان کوتاه‌تری را داشته باشد.

۹- ترتیب رسیدگی در دیوان عدالت اداری

در خصوص ترتیب رسیدگی در دیوان عدالت اداری توجه به این نکات مهم و ضروری است:

۱- شروع به رسیدگی در دیوان عدالت اداری مستلزم تقدیم دادخواست است (بدوی- تجدیدنظر- هیات عمومی). شرایط دادخواست و ضمانت اجراهای آن مطابق با شرایط دادخواست در آیین دادرسی مدنی است.

مهلت تقدیم دادخواست (ماده ۱۶)

۱- مهلت شکایت از اقدامات و تصمیمات واحدهای دولتی و مأمورین واحدهای دولتی: ظرف ۶ ماه از تاریخ ابلاغ تصمیم

۲- مهلت شکایت مأمورین واحدهای دولتی راجع به حقوق استخدامی: ظرف ۶ ماه از تاریخ ابلاغ

۳- شکایت از آرای قطعی صادره از مراجع اداری: ظرف ۳ ماه از تاریخ ابلاغ رای قطعی یا قطعیت رای.

نکته: چنانچه به تشخیص رئیس دیوان، موضوعات جدیدی مطرح و مورد شکایت قرار گیرد که پیش بینی می شود اشخاص متعدد دیگری نیز شکایت مشابه آن را مطرح نمایند یا دارای ابعاد گسترده اداری یا اجتماعی می باشد؛ موضوع همزمان با ارجاع به شعب، به گروهی از کارشناسان متخصص یا هیأت تخصصی مربوط جهت بررسی مقدماتی و ارائه نظریه مشورتی ارجاع می شود تا حداکثر ظرف یک ماه اعلام نظر نمایند و شعب رسیدگی کننده با ملاحظه نظریه مشورتی مذکور نسبت به صدور رأی اقدام کنند. عدم اعلام نظریه مشورتی در مهلت مقرر مانع از صدور رأی پس از خاتمه مهلت نیست (تبصره ماده ۷ اصلاحی ۱۴۰۲).

۲- پس از ارجاع دادخواست به شعبه، مدیر دفتر شعبه آن را پس از تکمیل بلافاصله در اختیار قاضی شعبه قرار می دهد. قاضی شعبه دیوان در صورت احراز صلاحیت و کامل بودن پرونده، آن را با صدور دستور ارسال یک نسخه از دادخواست و ضمائم آن به طرف شکایت، به دفتر اعاده می کند تا پس از ابلاغ دادخواست و ضمائم آن به طرف شکایت، در جریان رسیدگی قرار گیرد. (ماده ۲۹ اصلاحی ۱۴۰۲).

۳- طرف شکایت موظف است ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ، نسبت به ارسال پاسخ اقدام کند. عدم وصول پاسخ، مانع رسیدگی نیست و شعبه با توجه به مدارک موجود، به پرونده رسیدگی و مبادرت به صدور رأی می نماید (ماده ۳۰ قانون اصلاحی)

۴- در صورتی که طرف شکایت بدون عذر موجه از دادن پاسخ در موعد مقرر در این ماده خودداری نماید شعبه رسیدگی کننده، متخلف را به سه ماه تا یک سال انفعال از خدمت محکوم می نماید.

این حکم ظرف بیست روز قابل تجدیدنظر در شعب تجدیدنظر است (تبصره ماده ۲۰).

۵- اگر به موجب یک دادخواست شکایات متعددی اقامه شود که با یکدیگر ارتباط نداشته باشند و

شعبه نتواند ضمن یک دادرسی به آنها رسیدگی کند، ظرف پنج روز لزوم تفکیک دادخواست را

طی اخطاریه‌ای به شاکی یا شاکیان اعلام می کند. شاکی یا شاکیان از تاریخ ابلاغ اخطاریه ده روز

فرصت تفکیک یا تعیین موضوع را دارند. در صورت عدم تفکیک یا تعیین موضوع مورد شکایت، مدیر

دفتر شعبه بر اساس ماده (۲۸) این قانون قرار رد دادخواست صادر می کند. قرار رد صادره مانع از طرح

مجدد شکایت نیست. چنانچه طرح شکایت مجدد مستلزم رعایت زمان مشخص باشد، باقیمانده مهلت

مقرر، از زمان ابلاغ قرار مدیر دفتر، محاسبه می شود (ماده ۳۱ اصلاحی ۱۴۰۲).

تفکیک دعاوی از یکدیگر (ماده ۳۱ اصلاحی ۱۴۰۲)

۱- جهت تفکیک: شاکی شکایت‌های متعددی را در یک دادخواست مطرح نماید که:

۱- بین آنها ارتباط بوده و دیوان بتواند به همه آنها یکجا رسیدگی نماید: به همه

شکایات توأمان رسیدگی می نماید.

۲- بین آنها ارتباط وجود ندارد یا شعبه دیوان نتواند به همه‌ی آنها یکجا

رسیدگی نماید: ظرف مدت ۵ روز به شاکی یا شاکیان اخطار می نماید.

۲- تکلیف شاکی: ظرف مدت ۱۰ روز باید دعاوی را تفکیک یا تعیین موضوع نمایند.

۳- ضمانت اجرا: مدیر دفتر شعبه قرار رد دادخواست صادر می نماید. قرار رد صادره مانع از

طرح مجدد شکایت نیست. چنانچه طرح شکایت مجدد مستلزم رعایت زمان مشخص باشد،

باقیمانده مهلت مقرر، از زمان ابلاغ قرار مدیر دفتر، محاسبه می شود.

طرح شکایات متعدد توسط شاکیان متعدد (ماده ۳۲)

۱- قانون آیین دادرسی مدنی: وجود منشاء واحد بین دعاوی

۲- دیوان عدالت اداری: وجود مبنا و منشاء واحد بین شکایات

نکته ۱: چنانچه اشخاص متعدد، شکایت‌های خود را به موجب یک دادخواست مطرح نمایند، در صورتی که شکایات مزبور **منشا و مبنای واحد** داشته باشد، شعبه دیوان نسبت به همه موارد ضمن یک دادرسی، اتخاذ تصمیم می‌نماید. در غیر این صورت، مطابق مفاد ماده قبل موارد به تفکیک و جداگانه رسیدگی می‌شود (ماده ۳۲ اصلاحی ۱۴۰۲).

نکته ۲: شاکیان در صورتی که بیش از پنج نفر باشند، می‌توانند در دادخواست، نماینده‌ای را از میان خود جهت امر ابلاغ و اخطار، به شعبه دیوان معرفی نمایند. (تبصره ماده ۳۲) در این خصوص باید دقت داشت نماینده مزبور تنها در حدود ابلاغ و اخطار نماینده محسوب می‌گردد و در سایر موارد طرفین باید شخصاً دخالت نمایند یا از وکیل دادگستری استفاده نمایند.

نکته ۳: موضوع شکایت و خواسته باید صریح و منجز باشد. در صورت **وجود ابهام** به تشخیص شعبه، مراتب طی اخطاریه‌ای به شاکی اعلام می‌گردد و شاکی مکلف است **ظرف ده روز** از تاریخ ابلاغ اخطاریه، نسبت به رفع ابهام اقدام کند. در غیر این صورت، شعبه نسبت به قسمت مبهم، **قرار ابطال دادخواست** صادر می‌نماید (ماده ۳۳ اصلاحی ۱۴۰۲). در این مورد دقت نمایید قرار ابطال دادخواست فقط نسبت به بخشی که مبهم مانده است صادر می‌گردد و نسبت به سایر قسمت‌های دادخواست در صورت وجود شرایط رسیدگی می‌گردد.

نکته ۴: در صورتی که محتوای شکایت و دادخواست مطروحه در شعبه دیوان، حاوی مطالبی علیه شخص ثالث نیز باشد، این امر مانع رسیدگی شعبه به پرونده نیست.

نکته ۵: در صورتی که شعبه دیوان از فوت یا محجور شدن شاکی یا زوال سمت نماینده قانونی او مطلع شود، تا تعیین و معرفی قائم مقام قانونی متوفی یا محجور، قرار توقف دادرسی صادر و مراتب از طریق دفتر شعبه به نشانی شاکی اعلام می‌شود (ماده ۵۲).

نکته ۶: شعبه دیوان پس از رسیدگی و تکمیل تحقیقات، ختم رسیدگی را اعلام و ظرف **یک هفته مبادرت** به انشاء رای می‌نماید (م ۵۸).

نکته ۷: شعب دیوان مکلفند در مورد هر شکایت، به طور خاص تعیین تکلیف نمایند و نباید به صورت عام و کلی، حکم صادر کنند. (م ۶۰)

نکته ۸: دادنامه پس از صدور، ثبت می‌شود و رونوشت آن ظرف **پنج روز** برای ابلاغ به طرفین ارسال می‌گردد (ماده ۶۱).

"دستور موقت در دیوان عدالت اداری"

جهات صدور دستور موقت: شاکی مدعی است که:

۱- اقدامات یا تصمیمات یا آرای قطعی یا خودداری از انجام وظیفه از سوی طرف شکایت برخلاف شرع، خلاف قانون، خارج از حدود صلاحیت، سوء استفاده از اختیارات، خودداری از انجام وظایف قانونی، عدم رعایت قوانین و مقررات می‌باشد.

۲- اجرای آنها سبب ورود خسارتی می‌گردد که جبران آن غیرممکن یا متعسر است

مرجع صدور دستور موقت:

۱- شکایت در مرحله بدوی است: شعبه بدوی

۲- شکایت در مرحله تجدیدنظر است: شعبه تجدیدنظر

۳- شکایت در هیات عمومی است: رئیس و در غیاب وی نایب رئیس هیأت تخصصی مربوط.

نکته ۱: موعد درخواست دستور موقت در دیوان عدالت اداری: ۱- حین شکایت ۲- پس از شکایت تا قبل از صدور رأی.

نکته ۲: دستور موقت در دیوان عدالت اداری هزینه دادرسی ندارد و در عین حال مستلزم پرداخت خسارات احتمال نیست.

نکته ۳: مرجع رسیدگی به تقاضای صدور دستور موقت، شعبه‌ای است که به اصل شکایت رسیدگی می‌کند و مرجع رسیدگی‌کننده طی دادرسی فوری، در صورت احراز ضرورت و فوریت موضوع، بر حسب مورد، دستور موقت مبنی بر توقف اجرای اقدامات، تصمیمات و آرای مورد شکایت یا انجام وظیفه صادر می‌کند.

نکته ۴: شعبه دیوان موظف است در صورت صدور دستور موقت، نسبت به اصل دعوی خارج از نوبت رسیدگی و رای مقتضی صادر نماید.

نکته ۵: دستور موقت تاثیری در اصل شکایت ندارد و در صورت رد شکایت یا صدور قرار سقوط شکایت یا صدور قرار ابطال یا رد دادخواست اصلی و یا حکم به عدم ابطال مصوبه و قطعیت رأی صادره، دستور موقت نیز لغو می‌شود.

نکته ۶: تقاضای صدور دستور موقت قبل از اتخاذ تصمیم شعبه، مانع اجرای تصمیمات قانونی مراجع اداری این قانون نیست.

نکته ۷: اجرای دستور موقت صادره از شعب دیوان منوط به تأیید رئیس دیوان است که حداکثر ظرف یک هفته از زمان وصول باید نظر خود را اعلام نماید. در صورت عدم اظهارنظر در مهلت مذکور دستور موقت صادره لازم‌الاجراء است (تبصره ۲ الحاقی به ماده ۳۵ مصوب ۱۴۰۲)

موارد لغو دستور موقت در دیوان عدالت (م ۳۵ و ۴۰) اصلاحی

- ۱- رد شکایت اصلی
- ۲- صدور قرار سقوط شکایت
- ۳- صدور قرار ابطال دادخواست
- ۴- صدور قرار رد دادخواست
- ۵- حکم به عدم ابطال مصوبه و قطعیت رأی صادره
- ۶- در صورت حصول دلایلی مبنی بر عدم ضرورت ادامه اجرای دستور موقت

ابلاغ دستور موقت

- ۱- صدور دستور موقت: به هر دو طرف ابلاغ می‌گردد.
- ۲- لغو دستور موقت: به هر دو طرف ابلاغ می‌گردد.
- ۳- رد درخواست دستور موقت: فقط به شاکی ابلاغ می‌گردد.

اثر دستور موقت بر شیوه رسیدگی (م ۳۷ اصلاحی)

۱- دستور موقت رد شود: رسیدگی به پرونده‌ها طبق اوقات عادی انجام می‌شود.

۲- دستور موقت قبول شود: رسیدگی به پرونده‌های شعب بدوی، تجدیدنظر هیات‌های تخصصی و هیات عمومی دیوان عدالت اداری در وقت خارج از نوبت صورت می‌گیرد.

«ضرورت حضور طرفین در زمان رسیدگی»

حضور طرفین در زمان رسیدگی (ماده ۴۳)

۱- اصل: اصل بر این است که رسیدگی شعب دیوان بدون حضور طرفین صورت می‌گیرد.

۲- استثناء: در مواردی که شعبه دیوان نیاز به اخذ توضیح داشته باشد، طرفین را دعوت می‌نماید، در این صورت مکلف به حضور و ادای توضیح می‌باشند.

۳- ضمانت اجرای عدم حضور در صورت دعوت:

۱- عدم ارائه توضیح از سوی شاکی: در این صورت:
الف- اگر دیوان بتواند با اخذ توضیح از طرف شکایت در ماهیت امر رای صادر نماید: دیوان اقدام به صدور رای ماهوی خواهد کرد.
ب- شعبه دیوان حتی با اخذ توضیح از طرف شکایت نتواند در ماهیت شکایت، رای صادر نماید: قرار ابطال دادخواست صادر می‌نماید.

۱- ضمانت اجرای انتظامی: شعبه دیوان نماینده طرف شکایت را احضار می‌نماید. پس از احضار، بدون عذر موجه، از حضور جهت ادای توضیح خودداری کند، شعبه او را جلب می‌نماید یا به انقصال موقت از خدمات دولتی به مدت یک ماه تا یک سال محکوم می‌کند.

۲- ضمانت اجرای ماهوی: شعبه دیوان به رسیدگی خود ادامه می‌دهد.

۲- عدم ارائه توضیح توسط طرف شکایت:

نکته: عدم تعیین نماینده توسط طرف شکایت یا عدم حضور شخص معرفی شده در مهلت اعلام شده از سوی شعبه دیوان، موجب انفصال موقت از خدمات دولتی از دو ماه تا یک سال است (تبصره ماده ۴۳ اصلاحی ۱۴۰۲)

ارسال اسناد و مدارک از ادارات و نهادهای دولتی به دیوان عدالت اداری (ماده ۴۴ اصلاحی)

۱- **مقتضای ارسال:** ۱- رئیس دیوان عدالت اداری ۲- شعب بدوی یا تجدیدنظر دیوان

۲- **نهادهای موظف به ارسال:** کلیه واحدهای دولتی، شهرداری‌ها و سایر موسسات عمومی و ماموران آنها

۳- **تکلیف نهادهای مزبور:**

- ۱- امکان ارسال اسناد و مدارک لازم ممکن باشد: مکلف است ظرف یکماه از تاریخ ابلاغ اسناد و مدارک مربوط را به شعبه دیوان ارسال نماید.
- ۲- امکان ارسال اسناد وجود ندارد: دلایل آن را به دیوان اعلام کنند.

۴- **ضمانت اجرای عدم ارسال مدارک و اسناد:**

مستتکف، به حکم شعبه به انفصال موقت از خدمات دولتی از یک ماه تا یک سال یا کسر یک سوم حقوق و مزایا به مدت سه ماه تا یک سال محکوم می‌شود. این حکم ظرف بیست روز قابل تجدیدنظر در شعب تجدیدنظر است.

نکته: مجازات اداری مقام مستتکف، حسب مورد مانع اختیار دیوان برای اقدام مقتضی در جهت دستیابی به دلایل و مدارک مورد نیاز یا صدور رای طبق مدارک و قرائن موجود در پرونده نیست، مطالبه اسناد طبقه‌بندی شده مطابق مقررات مربوط صورت می‌گیرد.

"استرداد دادخواست در دیوان"

استرداد مواد ۴۵ و ۴۶

۱- **استرداد دادخواست:** شاکی حق دارد تا قبل از وصول پاسخ از سوی طرف شکایت، دادخواست خود را استرداد نماید، در این صورت شعبه دیوان "**قرار ابطال دادخواست**" صادر می‌نماید.

۲- **انصراف از شکایت به صورت کلی:** شاکی حق دارد تا قبل از ختم رسیدگی از شکایت خود به صورت کلی صرف نظر نماید، در این صورت دیوان **قرار سقوط شکایت** را صادر می‌نماید که دارای اعتبار امر قضاوت شده است و طرح مجدد شکایت را برای شاکی غیرممکن میسازد.

۳- **استرداد دادخواست تجدیدنظر یا انصراف از دعوای تجدیدنظر:** قرار سقوط شکایت صادر میگردد و تجدیدنظرخواهی مجدد غیرممکن است (تبصره ماده ۴۶ الحاقی ۱۴۰۲).

رسیدگی خارج از نوبت: م ۴۷

آیین دادرسی مدنی:

۱- **بدوی:** پیش‌بینی نشده است.

۲- **تجدیدنظر:** پیش‌بینی نشده است.

۳- **فرجام خواهی:** به تشخیص رئیس دیوان عالی کشور یا تجویز قانون.

دیوان عدالت اداری

۱- هم در شعبه بدوی هم در شعبه تجدیدنظر ممکن است.

۲- تشخیص: رئیس شعبه یا رئیس دیوان عدالت اداری.

اصلاح خواسته توسط شاکی (ماده ۴۹)

۱- قبل از ارسال دادخواست و ضمایم به طرف شکایت: در هر حال ممکن است حتی اگر اصلاح خواسته، موجب تغییر ماهوی خواسته شود.

۱- اصلاح خواسته موجب تغییر ماهوی خواسته نشده باشد.

۲- شعبه دیوان بتواند بدون نیاز به تجدید ارسال دادخواست بر اساس دادخواست فعلی رسیدگی نماید.

۲- پس از ارسال دادخواست و ضمایم به طرف شکایت: در صورتی ممکن است که:

قرار اناطه در دیوان عدالت اداری (م ۵۰)

۱- موارد صدور: رسیدگی به شکایت منوط بر احراز موضوعی باشد که در صلاحیت دیوان عدالت اداری نیست.

۲- واکنش دیوان: با صدور قرار اناطه رسیدگی به پرونده را متوقف می‌نماید و به ذینفع اخطار می‌نماید نسبت به انجام وظیفه اقدام نماید.

۳- وظیفه ذینفع: ظرف یکماه از تاریخ اخطار نسبت به طرح موضوع در مرجع صالح اقدام نموده و رسید آن را به دفتر شعبه دیوان تقدیم نماید.

۴- ضمانت اجرا:

۱- ذینفع نسبت به انجام وظیفه اقدام نماید: شعبه دیوان رسیدگی خود را تا روشن شدن موضوع در مرجع صالح متوقف می‌نماید. پس از تعیین تکلیف در مرجع صالح، دیوان با در نظر گرفتن آن نسبت به اتخاذ تصمیم اقدام می‌نماید.

۱- ذینفع شاکی است: قرار رد شکایت
۲- ذینفع طرف شکایت است: ادامه رسیدگی

۲- ذینفع نسبت به انجام وظیفه اقدام نماید:

شعبه دیوان تصمیم مقتضی را اتخاذ می‌نماید:

نکته: هرگاه شاکی و یا طرف شکایت اخذ توضیح از هر شخص حقیقی یا حقوقی را درخواست نماید و شعبه دیوان نیز آن را موثر در کشف حقیقت بداند نسبت به اخذ توضیح اقدام می‌نماید، شعبه دیوان می‌تواند راساً نیز نسبت به اخذ توضیح از سایر اشخاص اقدام نماید (م ۵۶).

تجمیع پرونده‌ها در شعبه واحد

۱- آیین دادرسی مدنی: دعاوی واحد باشند یا بین آنها ارتباط کامل وجود داشته باشد (با تشخیص رئیس حوزه قضایی).

۲- در دیوان عدالت اداری: شکایات دارای موضوع واحد باشند یا بین آنها ارتباط وجود داشته باشد (با تشخیص رئیس دیوان عدالت اداری).

"ایرادات شکلی در دیوان عدالت اداری"

نکته ۱: جهات ایراد شکلی در دیوان عدالت اداری:

الف - شاکی برای طرح شکایت، اهلیت قانونی نداشته باشد.

ب - شاکی در شکایت مطروحه ذینفع نباشد.

پ - شکایت متوجه طرف شکایت نباشد.

ت - شکایت خارج از موعد قانونی، مطرح شده باشد.

ث - شکایت طرح شده از حیث موضوع قبلاً بین همان اشخاص یا اشخاصی که اصحاب دعوی، قائم مقام آنان هستند، رسیدگی و حکم قطعی نسبت به آن صادر شده باشد.

ج - موجبات رسیدگی به شکایت، منتفی شده باشد.

نکته ۲: در صورت پذیرش ایراد از سوی دیوان، قرار رد شکایت صادر می‌گردد.

دعوی جلب ثالث و ورود ثالث در دیوان (مواد ۵۴-۵۵)

۱- طرح دعوی جلب ثالث از سوی شاکی: ضمن دادخواست یا

نهایتاً ظرف ۳۰ روز پس از ثبت دادخواست.

۱- دعوی جلب ثالث:

۲- طرح دعوی جلب ثالث توسط طرف شکایت: ضمن پاسخ به

دادخواست شکایت اصلی باید دادخواست جلب ثالث تقدیم شود.

۲- ورود ثالث: شخص ثالث که مایل به ورود است باید دادخواست خود را تا قبل از صدور رای

تقدیم نماید، در صورتی که دادخواست پس از صدور رای تقدیم شود، نسبت بدان رسیدگی مستقل بعمل می‌آید.

ضمانت اجرای تقدیم دادخواست ورود ثالث در موعد

۱- دادخواست ورود ثالث تا قبل از صدور رای مرحله بدوی تقدیم شود: شعبه دیوان به ورود

ثالث همزمان با شکایت اصلی رسیدگی کرده و رای واحد صادر می‌نماید.

۱- از رای صادره تجدیدنظرخواهی شده است: دادخواست ورود

ثالث همراه با پرونده راجع به دعوی اصلی به مرجع تجدیدنظر ارسال می‌گردد تا در آن مرجع مورد رسیدگی واقع شود.

۲- دادخواست ورود

ثالث پس از صدور رای

بدوی تقدیم شود:

۲- از رای صادره تجدیدنظرخواهی نشده است: قرار رد

دادخواست ورود ثالث صادر می‌شود.

اعتراض ثالث نسبت به آرای صادره از شعب دیوان (م ۵۷)

۱- آرا قابل اعتراض ثالث: هر رأیی که از شعب (بدوی - تجدیدنظر) دیوان صادر می‌گردد قابل اعتراض ثالث است، اعم از اینکه قطعی شده باشد یا خیر.

۲- ذینفع در اعتراض: هر شخص حقیقی یا حقوقی غیر از طرفین شکایت.

۳- مرجع اعتراض ثالث: شعبه صادر کننده رای (اعم از بدوی یا تجدیدنظر).

۴- مهلت اعتراض ثالث: ظرف دو ماه از تاریخ اطلاع از رأی.

۵- تشریفات: تقدیم دادخواست و پرداخت هزینه دادرسی.

نکته: هرگاه اعتراض ثالث در شعبه تجدیدنظر صورت بگیرد، رأیی که در نتیجه آن صادر می‌شود قطعی است، اما هرگاه اعتراض ثالث در صلاحیت شعب بدوی دیوان باشد، رأیی که در نتیجه آن صادر می‌شود قابل تجدیدنظر است.

نکته: در صورتی که احراز شود ثالث، معاذیر قانونی یا شرعی داشته است، مدت زمان معذوریت به مهلت دو ماه مذکور در این ماده، اضافه می‌شود (تبصره الحاقی ۱۴۰۲).

نکته: در مواردی که اجرای رأی مورد اعتراض ثالث، موجب ورود خسارت غیرقابل جبران شود؛ شعبه رسیدگی کننده به اعتراض ثالث می‌تواند با تقاضای معترض و با موافقت رئیس دیوان، دستور توقف اجرای حکم مورد اعتراض را تا رسیدگی و صدور حکم قطعی صادر کند.

تصمیم نهایی دیوان نسبت به شکایت (ماده ۶۳)

۱- رأی واجد ایراد و اشکال قانونی نباشد: رأی صادره تأیید می‌شود.

۲- دیوان جز سهو قلم ایراد و اشکال دیگری در رأی ملاحظه نمی‌کند: رأی صادره را با اصلاح سهو قلم تأیید می‌نماید.

۳- موجبی برای رسیدگی در مراجع مذکور وجود نداشته باشد یا موضوع مورد رسیدگی منتفی شده یا از مصادیق تخلف نباشد: نقض بلارجاع می‌گردد.

۴- به تشخیص دیوان مرجع رسیدگی کننده صلاحیت رسیدگی به موضوع را نداشته است: رأی را نقض و ضمن تعیین مرجع صلاحیتدار، مرجع رسیدگی کننده را موظف می‌کند موضوع را ظرف مدت یک هفته به مرجع دارای صلاحیت ارسال کند.

۵- دیوان تحقیقات را ناقص می‌داند یا ایراد شکلی موثر در پرونده مشاهده می‌کند: با ذکر تمام جهات و دلایل قانونی، رأی صادره را نقض و موضوع را جهت رسیدگی مجدد به آن مرجع اعلام می‌کند. مرجع مذکور مکلف است با رعایت مفاد رأی شعبه دیوان حداکثر ظرف دو ماه نسبت به اتخاذ تصمیم یا صدور رأی اقدام کند.

نکته: در صورت شکایت مجدد شاکی، پرونده به شعبه صادرکننده رأی قطعی در دیوان ارجاع می‌شود، در این صورت، اگر شعبه دیوان رأی صادره را صحیح تشخیص دهد آن را تأیید می‌کند و در صورتی که رأی صادره را بر خلاف قوانین و مقررات بداند آن را نقض و رأی مقتضی صادر می‌کند.

"تجدیدنظرخواهی از آرای شعب بدوی دیوان"

آیین دادرسی تجدیدنظرخواهی (مواد ۶۵-۶۶-۶۷)

۱- مرجع تجدیدنظر: شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری.

۲- آرای قابل تجدیدنظر: تمامی آرای صادره از شعب بدوی.

۳- مهلت تجدیدنظرخواهی: برای اشخاص مقیم ایران ۲۰ روز و برای اشخاص مقیم خارج از کشور ظرف ۲ ماه از تاریخ ابلاغ رأی بدوی.

۴- اشخاص ذینفع: طرفین رأی بدوی، قائم مقام، وکیل یا نمایندگان قانونی ایشان.

۵- تشریفات تجدیدنظر: مستلزم تقدیم دادخواست و پرداخت هزینه دادرسی.

۶- مرجع تقدیم دادخواست تجدیدنظر: ۱- دفتر شعبه بدوی صادرکننده رأی ۲- دبیرخانه دیوان ۳- دفاتر اداری دیوان عدالت اداری.

ضمانت اجرای شرایط دادخواست تجدیدنظر (ماده ۶۹)

۱- در دادخواست نام، نام خانوادگی و اقامتگاه تجدیدنظرخواه مشخص نیست: مدیر دفتر شعبه تجدیدنظر "پس از پایان مهلت تجدیدنظر" قرار رد دادخواست را صادر می‌نماید. این قرار قطعی است.

۲- دادخواست به سایر جهات ناقص است: مدیر دفتر شعبه تجدیدنظر به تجدیدنظرخواه اخطار رفع نقص صادر و ۱۰ روز به وی مهلت رفع نقص می‌دهد، پس از پایان مهلت: الف- دادخواست کامل شده است: ارجاع به شعب تجدیدنظر جهت رسیدگی. ب- دادخواست همچنان ناقص است: مدیر دفتر قرار رد دادخواست تجدیدنظر را صادر می‌نماید. این قرار ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ، قابل اعتراض در همان شعبه دیوان است.

۳- دادخواست تجدیدنظر خارج از مهلت تقدیم شده است: خود شعبه تجدیدنظر قرار رد دادخواست را صادر می‌نماید. این قرار قطعی است. مگر اینکه تجدیدنظرخواه دارای عذر موجهی باشد که در این صورت شعبه تجدیدنظر به این موضوع رسیدگی خواهد کرد.

آثار کامل بودن دادخواست تجدیدنظر (تبصره الحاقی م ۶۷ مصوب ۱۴۰۲)

۱- اصل: در صورت کامل بودن دادخواست مدیردفتر دادخواست را به نظر قاضی شعبه می‌رساند، قاضی شعبه پس از احراز کامل بودن دادخواست دستور تبادل لوایح را می‌دهد.

۲- استثنا: در برخی از موارد پرونده بدون تبادل لوایح به مرجع تجدیدنظر ارجاع می‌گردد: ۱- رأی صادره از نوع قرار رد شکایت باشد ۲- رأی صادره مستند به رأی وحدت رویه باشد ۳- رأی صادر مستند به رأی ایجاد رویه باشد.

"تصمیمات شعبه تجدیدنظر"

شعبه تجدیدنظر پس از رسیدگی، ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به صدور رأی می‌نماید. رأی شعب تجدیدنظر یکی از حالت‌های زیر است: (مواد ۶۸ تا ۷۲)

حالت اول- شعبه تجدیدنظر موضوع را خارج از صلاحیت دیوان عدالت اداری و در صلاحیت سایر مراجع قضایی یا اداری می‌داند: رأی صادره را نقض و در صورتی مراجع قضایی را صالح بداند با صدور قرار عدم صلاحیت پرونده را به مرجع صالح ارسال می‌نماید و در صورتی مراجع قضایی غیردادگستری یا سایر مراجع اداری را صالح بداند قرار رد شکایت صادر می‌کند و شاکه را به مرجع صالح دلالت می‌دهد (ماده ۷۲ اصلاحی ۱۴۰۲).

حالت دوم- شعبه تجدیدنظر، دادرسی رسیدگی کننده به پرونده را فاقد صلاحیت می‌داند: رأی صادره را نقض و رسیدگی را به دادرسی صالح ارجاع می‌دهد.

حالت سوم- شعبه تجدیدنظر تشخیص می‌دهد که دادخواست تجدیدنظر خارج از مهلت و بدون عذر موجه تقدیم شده است: شعبه تجدیدنظر قرار رد دادخواست را صادر می‌نماید، این قرار قطعی است.

حالت چهارم- شعبه تجدیدنظر دادخواست بدوی را ناقص می‌داند: تجدیدنظرخواهی را متوقف نموده و به شاکه اخطار می‌دهد ظرف ۱۰ روز نسبت به تکمیل دادخواست اقدام نماید. الف) در صورتی که دادخواست تکمیل شود: رسیدگی به تجدیدنظرخواهی ادامه می‌یابد. ب) در صورتی که دادخواست تکمیل نشود: رأی مرحله بدوی نقض و به جای آن قرار رد دعوای {شکایت} بدوی صادر می‌گردد. این قرار قطعی است.

حالت پنجم - شعبه تجدیدنظر دادخواست دهنده بدوی را فاقد سمت می‌داند: مستقیماً رای بدوی را نقض و قرار رد دعوی {شکایت} بدوی را صادر می‌نماید. این قرار قطعی است.
حالت ششم - رأی شعبه بدوی به صورت قرار است و شعبه تجدیدنظر آن را تأیید می‌نماید: قرار قطعی است.

حالت هفتم - رأی شعبه بدوی به صورت قرار است و شعبه تجدیدنظر آن را نقض می‌نماید: رسیدگی مجدد به ماهیت شکایت به همان شعبه بدوی ارجاع داده می‌شود. شعبه بدوی مکلف به تبعیت است، مگر جهت دیگری برای صدور همان قرار یا قرار دیگری حادث شود (تبصره ۱ ماده ۷۲ الحاقی ۱۴۰۲).

حالت هشتم - رأی صادر حکم است و شعبه تجدیدنظر آن را تأیید می‌نماید: حکم قطعی و لازم الاجراست.

حالت نهم - رأی صادره حکم است و شعبه تجدیدنظر آن را نقض می‌نماید: خود شعبه وارد رسیدگی مجدد شده و رأی شایسته صادر می‌نماید. این رأی (حکم - قرار) قطعی است.
حالت دهم - شعبه تجدیدنظر جز سهو قلم، ایراد و اشکال دیگری را ملاحظه نمی‌نماید: ضمن اصلاح سهو قلم، رأی بدوی را تأیید می‌نماید. این رأی قطعی است.

حالت یازدهم - شاکی دادخواست تجدیدنظرخواهی خود را ساقط نماید یا از دعوی تجدیدنظر به طور کلی انصراف دهد: قرار سقوط شکایت صادر می‌گردد (الحاقی ۱۴۰۲).

اعلام اشتباه از سوی قاضی و تأثیر آن در رأی (مواد ۷۴ و ۷۵)

۱- از رأی صادره تجدیدنظر شده است: اعلام اشتباه از سوی قاضی عملاً اثری ندارد.

۲- پرونده به هر علتی به شعبه تجدیدنظر نرفته است: رئیس دیوان با اعلام اشتباه از سوی قاضی صادر کننده رای، پرونده را جهت بررسی به یکی از شعب تجدیدنظر ارسال می‌نماید، شعبه مزبور تصمیم مقتضی را می‌گیرد.

۱- قاضی بدوی صادر کننده رأی پی به اشتباه خود ببرد:

۱- شرط اعلام اشتباه: اگر رسیدگی با سه قاضی بوده ۲ قاضی و اگر رسیدگی با دو قاضی بوده، یکی از آنها اشتباه را قبول نمایند.

۲- اثر اعلام اشتباه: رئیس دیوان عدالت اداری، رسیدگی مجدد به پرونده را به یکی از شعب دیگر تجدیدنظر واگذار می‌نماید.

۲- قضات تجدیدنظر پی به اشتباه خود ببرند:

نکته: صدور حکم اصلاحی در مورد سهو قلم یا اشتباه محاسبه و یا رفع ابهام که توسط شعبه صادرکننده رای انجام می‌شود، از موارد بالا نیست و توسط خود قاضی صادر کننده رای انجام می‌گیرد (ماده ۷۶).

نکته: در صورتی که رای بر مبنای اتفاق نظر نباشد، نظر اقلیت نیز در پیش‌نویس رای درج می‌شود و به امضای آنان می‌رسد و در پرونده بایگانی می‌گردد (ماده ۷۷).

"رای خلاف شرع بین در دیوان عدالت اداری"

رای خلاف شرع بین

۱- نظام حاکم بر دادرسی‌های مدنی و کیفری (ماده ۴۷۷ ق.آ.د.ک)

- ۱- آرا قابل بررسی: تمامی آرای حقوقی و کیفری، اعم از احکام یا قرارها دیوان عالی کشور سازمان قضائی نیروهای مسلح، دادگاههای تجدید نظر و بدوی، دادسراها و شوراهای حل اختلاف.
- ۲- مرجع تشخیص: رئیس قوه قضائیه.
- ۳- جهت تشخیص: رای خلاف شرع بین باشد.
- ۴- مرجع رسیدگی مجدد: شعب خاص دیوان عالی کشور که توسط رئیس قوه قضائیه تعیین گردیده است.

۲- نظام حاکم بر دادرسی‌های دیوان عدالت اداری (ماده ۷۹)

- ۱- آرا قابل بررسی: تمامی آرای قطعی شعب بدوی یا تجدیدنظر دیوان اعم از حکم یا قرار.
- ۲- مرجع تشخیص: رئیس قوه قضائیه یا رئیس دیوان عدالت اداری.
- ۳- جهت تشخیص: رای خلاف شرع بین یا خلاف قانون باشد.

- ۱- رای از شعبه تجدیدنظر صادر شده است: به شعبه همعرض صادر کننده رای ارجاع می‌گردد.
- ۲- رای از شعبه بدوی صادر شده است: به یکی از شعب تجدیدنظر ارجاع می‌گردد.

۴- مرجع رسیدگی مجدد:

- نکته ۱:** اختیار تجویز رسیدگی مجدد به اعتبار خلاف شرع یا قانون بودن تنها برای یکبار است.
- نکته ۲:** در صورت اعلام خلاف شرع بین یا قانونی بودن رأی، توسط رئیس قوه قضائیه یا رئیس دیوان، اجرای حکم تا صدور رأی مجدد، متوقف می‌شود (تبصره ماده ۷۹ الحاقی ۱۴۰۲).
- نکته ۳:** در صورتی که رأی صادره خلاف شرع بین یا قانون تشخیص داده شود رسیدگی مجدد در شعبه همعرض خارج از نوبت خواهد بود.

"رسیدگی در هیات عمومی دیوان عدالت اداری"

رسیدگی در هیات عمومی دیوان عدالت اداری

۱- تشریفات رسیدگی: تقدیم درخواست کافی است.

۲- مرجع تقدیم درخواست: دفتر هیات عمومی دیوان عدالت اداری.

۳- مدیر دفتر هیات عمومی، درخواست را به نظر رئیس دیوان می‌رساند. درخواست در نوبت رسیدگی قرار می‌گیرد.

۴- مدیر دفتر یک نسخه از درخواست را به مرجع که ابطال مصوبه آن تقاضا شده است ارسال می‌نماید. مرجع مزبور یک ماه از تاریخ ابلاغ فرصت دارد تا نسبت

نکته: در مواردی که به تشخیص رئیس دیوان، رسیدگی به دادخواست ابطال مصوبه موضوعاً منتفی باشد، مانند موارد استرداد دادخواست از سوی متقاضی با وجود رأی قبلی دیوان در مورد مصوبه مورد شکایت و یا در مواردی که موضوع مورد شکایت مشمول عنوان آیین نامه‌ها، نظامات و مقررات موضوع ماده (۱۲) این قانون نباشد، از قبیل نظرات مشورتی، ابلاغیه مصوبات و یا شکایت از قانون، رئیس دیوان قرار رد دادخواست صادر می‌کند. این قرار قطعی است.

نکته: در صورتی که شکایت از تصمیمات موردی به هیات عمومی ارجاع شده یا توسط شعبه قرار عدم صلاحیت به شایستگی رسیدگی در هیات عمومی صادر شده باشد، پرونده توسط رئیس دیوان به یکی از شعب دیوان ارجاع می‌شود، در این صورت شعبه مکلف به رسیدگی است (ماده ۸۵ اصلاحی).

نکته: پس از صدور نظریه شورای نگهبان مبنی بر مغایرت مصوبه با شرع، تقاضای استرداد دادخواست قابل پذیرش نیست و به موضوع، رسیدگی و رأی مقتضی صادر می‌شود (تبصره الحاقی ۱۴۰۲).

نکته: در صورت تقاضای استرداد دادخواست، چنانچه رئیس دیوان مصوبه را خلاف شرع یا قانون تشخیص دهد، رسیدگی به موضوع با درخواست رئیس دیوان ادامه می‌یابد (تبصره الحاقی ۱۴۰۲).

نکته: در مواردی که آیین‌نامه و مصوبه مورد شکایت، مرکب از مواد یا بندهای متعدد باشد دادخواست دهنده باید هر یک از مواد یا اجزائی که ادعای مغایرت آن را با قانون یا موازین شرعی نموده است، مشخص کند. (تبصره الحاقی ۱۴۰۲)

نکته: هر گاه جهت درخواست ابطال مصوبه، مغایرت با موازین شرع باشد، رئیس دیوان مطابق ماده (۸۷) این قانون، از شورای نگهبان استعلام می‌کند (تبصره الحاقی ۱۴۰۲)

شرایط دادخواست تقدیمی به هیات عمومی:

الف - مشخصات و اقامتگاه دادخواست دهنده

ب - مشخصات مصوبه مورد اعتراض

پ - حکم شرعی یا مواد قانونی که ادعای مغایرت مصوبه با آن شده

ت - دلایل و جهات اعتراض از حیث مغایرت مصوبه با شرع یا قانون اساسی یا سایر قوانین یا خروج از اختیارات مرجع تصویب‌کننده

ث - امضاء یا اثر انگشت دادخواست دهنده

ضمانت اجرای شرایط دادخواست:

۱- در صورتی که مشخصات دادخواست دهنده معلوم نباشد، ظرف **پنج روز** قرار رد دادخواست صادر می‌نماید.

۲- در صورتی که دادخواست فاقد امضاء یا اثر انگشت دادخواست دهنده باشدف اخطار رفع نقص ارسال می‌گردد تا نسبت به امضای یا انگشت زدن دادخواست در مهلت مقرر قانونی اقدام شود؛ در غیر این صورت قرار رد دادخواست صادر می‌گردد.

۳- در سایر موارد با ذکر جهات نقص، اخطاریه صادر و متقاضی مکلف است **ظرف ده روز** پس از ابلاغ، نسبت به رفع نقص اقدام کند. در غیر این صورت، قرار رد دادخواست صادر می‌شود. این قرار، قطعی است.

مکانیسم بررسی مصوبات در کمیسیون‌های تخصصی:

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری صلاحیت رسیدگی به درخواست ابطال مصوباتی که خلاف قانون، شرع و ... باشند را دارد. اما وقتی ابطال مصوبه‌ای تقاضا می‌گردد، ابتدا موضوع باید در یک هیأت تخصصی مطرح گردد و مستقیماً نمی‌توان درخواست ابطال را به صحن علنی هیأت عمومی برد. نظر هیأت تخصصی در خصوص اینکه آیا این مصوبه قابل ابطال است یا خیر؛ روی ادامه جریان رسیدگی تأثیر گذار است.

مکانیسم بررسی در کمیسیون‌های تخصصی

ترکیب: حداقل ۱۵ نفر از قضات دیوان

رسمیت جلسات: منوط بر حضور دو سوم اعضا

تصمیم کمیسیون تخصصی

۱- نظر اکثریت مطلق اعضای کمیسیون (بیشتر از نصف از اعضا) مبنی بر ابطال مصوبه است: پرونده با نظر مثبت کمیسیون مبنی بر ابطال به هیأت عمومی دیوان ارجاع می‌شود

الف- اعتراض بشود: پرونده به هیأت عمومی با نظر منفی کمیسیون مبنی بر ابطال به هیأت عمومی ارجاع می‌شود.
ب- اعتراض نشود: رای به رد شکایت قطعی می‌گردد و موضوع به پایان می‌رسد.

۲- در صورتی که نظر سه چهارم اعضای هیأت تخصصی بر رد شکایت باشد: رای به رد شکایت صادر می‌کند. این رای ظرف بیست روز از تاریخ صدور، از سوی رئیس دیوان یا ده نفر از قضات دیوان قابل اعتراض است.

۳- نظر کمتر از سه چهارم مبنی بر رد شکایت است: پرونده با نظر منفی اعضای کمیسیون مبنی بر رد شکایت و بدون نیاز به اعتراض به صحن قضات هیأت عمومی می‌رود.

نکته: تصمیمات هیات های تخصصی بلافاصله به اطلاع قضات دیوان می‌رسد.

استعلام غیرشرعی بودن مصوبه از سوی شورای نگهبان توسط دیوان عدالت اداری:

در صورتی که درخواست ابطال مصوبه‌ای شده باشد که ادعای خلاف شرع بودن آن می‌رود، دیوان عدالت اداری قبل از هر چیزی باید نظر فقهای شورای نگهبان را در خصوص غیرشرعی بودن یا نبودن مصوبه مزبور جویا شود. پاسخ شورای نگهبان تکلیف هیأت عمومی دیوان را مشخص می‌نماید.

ارتباط دیوان عدالت اداری با شورای نگهبان برای کسب تکلیف در خصوص ادعای غیرشرعی بودن

۱- هرگاه فقط ادعای غیرشرعی بودن مصوبه شده باشد: رئیس دیوان پس از تبادل لوایح با طرف شکایت موضوع را با اسناد به شورای نگهبان ارسال و نظر شورای نگهبان در خصوص شرعی یا غیرشرعی بودن مصوبه برای هیأت عمومی لازم‌الاتباع است.

۱- مصوبه به سایر جهات ابطال شود: دیگر نیازی به استعلام از شورای نگهبان نیست.
۲- مصوبه به سایر اسباب قابل ابطال نباشد: رئیس دیوان عدالت اداری موضوع را جهت تعیین تکلیف به شورای نگهبان ارسال می‌نماید. نظر شورای نگهبان بر هیأت عمومی در این خصوص لازم‌الاتباع است.

۲- ادعای غیرشرعی بودن در کنار سایر جهات مطرح شده است: ابتدا به سایر جهات در خود هیأت عمومی رسیدگی می‌گردد

نکته ۱: فقهای شورای نگهبان می‌توانند برای انجام وظایف خود از حیث بررسی مغایرت یا عدم مغایرت مقررات با شرع، ترتیباتی را برای رسیدگی مقرر و ساختارهای مناسب را ایجاد کنند. (الحاقی ۱۴۰۲)

نکته ۲: چنانچه فقهای شورای نگهبان رأساً مغایرت شرعی مصوبه‌ای را به رئیس دیوان اعلام نمایند، هیأت عمومی مطابق نظر فقهای شورای نگهبان نسبت به ابطال مصوبه اقدام می‌کند. در این خصوص باید دقت داشت هیأت عمومی مکلف است از نظر شورای نگهبان تبعیت نماید.

رسیدگی مجدد هیات عمومی نسبت به آرای که قبلاً رسیدگی کرده است

۱- شرط رسیدگی مجدد: یکی از این سه مقام رای صادره را اشتباه یا مغایر قانون تشخیص دهند: ۱- رئیس قوه قضائیه ۲- رئیس دیوان عدالت اداری ۳- بیست نفر از قضات دیوان.

۲- واکنش هیات عمومی:

الف- هیات عمومی تشخیص مقامات را وارد بداند: رای صادره را نقض کرده رای جدید صادر می نماید.
ب- هیات عمومی تشخیص مقامات را وارد ندارند: رای هیات عمومی به اعتبار خود باقی می ماند.

نکته ۱: در صورتی که آراء هیات عمومی دیوان از سوی رئیس قوه قضائیه خلاف موازین شرع تشخیص داده شود، هیات عمومی با توجه به نظر رئیس قوه قضائیه تجدیدنظر می نماید. (ماده ۹۴)

نکته ۲: پس از صدور رأی وحدت رویه یا ایجاد رویه، چنانچه رئیس دیوان تشخیص دهد دستگاه اجرائی ذیربط از اجرای مفاد آن خودداری نموده و این امر منجر به طرح شکایات جدید در دیوان شده است، ابتدا به مقام مسئول در دستگاه اجرائی اخطار می نماید، ظرف مهلت مقرر نسبت به اجرای رأی صادره اقدام و تدابیر لازم را به عمل آورد. در صورت عدم اقدام، مقام اداری متخلف مستنکف، محسوب و مشمول حکم مقرر در ماده (۱۱۲) این قانون می شود.

نکته ۳: صدور رأی اصلاحی و رفع ابهام از آراء و تصمیمات عمومی دیوان برعهده هیات عمومی و نسبت به آراء و تصمیمات هیات های تخصصی برعهده خود آنها می باشد. (اصلاحی ۱۴۰۲)

نکته ۴: کلیه آرای هیات عمومی و هیات های تخصصی در پایگاه الکترونیکی دیوان و روزنامه رسمی منتشر می شود. (تبصره الحاقی)

اعاده دادرسی:

۱- جهات اعاده دادرسی از احکام قطعی دیوان عدالت اداری:

در مورد احکام قطعی به جهات ذیل می توان دادخواست اعاده دادرسی تقدیم نمود:

الف - حکم، خارج از موضوع شکایت صادر شده باشد.

ب - حکم به میزان بیشتر از خواسته صادر شده باشد.

پ - در مفاد حکم، تضاد وجود داشته باشد.